



ابوالقاسم شابی

شاعر نسل جوان عرب

۱۹۰۹-۱۹۳۴

چون فریاد برآید که : کیست جوانمردی که
کارهای نران از پیش بردارد؟ یقین کنم که زوی
سخن با من است، پس قدم در راه می‌نهم ، نه‌خسته
می‌شوم و نه ناتوان می‌گردم .
رباعی حل مضمون ابوالقاسم شابی
« طرفه بن العبد »

بردار کن ! متملس نامه را در رودخانه افکند و
عزم مراجعت کرد و به‌طرفه گفت : شاید که در
نامه تو نیز چنین نوشته باشد . مهر از آن برگزید
و جان درخطر می‌فکن ! طرفه چنان بی‌باک بود که
نصیحت همسفر خود را نادیده گرفت و گفت : مرا
هیچ پروای جان نیست ، تو نیز می‌بایست نامه را
نمیخواندی . می‌رقبیم و می‌دیدیم آن کدام کسی
است که به‌گفته این خیره‌سر ، می‌تواند با ما
درافتد ! باری متملس برگشت و طرفه به‌راه خود
ادامه داد . می‌گویند حتی حاکم بحرین پس از
آگاهی از مضمون نامه ، به‌وی توصیه کرده بود
که آمدن خود را آشکار نکنند و در خفا از شهر
بگریزد . ولیکن طرفه اصرار داشت که حاکم ،
نامه حاکم را به‌دور افکند و او را گرامی بدارد .
به‌ناچار دست و پایش بریدند و او را زنده بر دار
کردند .

ابوالقاسم شابی و طرفه بن العبد هر دو ، دارای
عقایدی حریج درباره اجتماع ، مرگ و زندگی ،
و مسائل اجتماعی هستند . طرفه در سال ۵۴۳
میلادی متولد شد و در سال ۵۶۹ به‌قتل رسید .
او با عمرو بن هند حاکم حیره ، دوستی داشت ،
او را مدح می‌گفت و از عطیای او برخوردار
می‌شد . اما روحیه‌ای چنان گستاخ و متهور داشت
که حرمت حاکم و تشریفات دستگاه او را هیچ‌نگه
نمی‌داشت و یک بار که از وی رنجید ، با زبانی
تند به‌تکوهش او پرداخت . حاکم ، طرفه و متملس
را (که او نیز شاعر و مورد غضب وی بود)
با دونهامه به‌تزد عامل خود در بحرین فرستاد و
توصیه کرد که نزد وی روند و جایزه بگیرند .
در راه متملس به‌محتوی نامه مشکوک شد ، نامه را
گشود و دید که نوشته است : به‌محض رسیدن
متملس ، دست و پایش را قطع کن و او را زنده

آن زمان که ملتی برای به‌روزی خود تلاش
می‌کند ، قضا و قدر بناچار از بی فرمان اومی‌دوند ،
شب به‌ناچار از برابر سپیده می‌گریزد .

شابی
امروز کمتر جوان عرب را می‌توان
یافت که با آثار ابوالقاسم شابی شاعر جوان
تونسی آشنا نباشد و مخصوصاً ترانه حماسی
معروف « اذالشعب » را که شعرش از این
سخنور است ، گاه به‌گاه زیر لب زمزمه‌نکند .
این شعر ، همان است که دو بیت اول آن
فوقاً ترجمه شده است .

ابوالقاسم شابی را از پاره‌ای جهات می‌توان
به « طرفه بن العبد » شبیه کرد . او یکی از
بزرگترین شاعران عرب قبل از اسلام بود و
ابوالقاسم یکی از بزرگترین شاعران عرب در قرون
اخیر است . هر دو به‌سن ۲۶ سالگی درگذشتند .

چکامه معروف او (معلقه طرفه) سرشار از عشق به زندگی، لذتها، زیباییها و مواهب زندگی و بی پروایی به مرگ است. طرفه را به حق می توان یک «هستی گرای» تمام عیار دانست. برخی طرفه را بزرگترین شاعر عرب در دوران قبل از اسلام می دانند و برخی این پایه را پس از امرؤالقیس برای اوقاقل هستند.

حتی محیط اجتماعی طرفه نیز با محیط زندگی ابوالقاسم شابی بسیار شباهت می برد. ابوالقاسم در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۰۹ در قریه «شابه» از قرای منطقه جرید واقع در جنوب تونس، پایه عرصه وجود گذاشت. منطقه جرید در نبرد میان رومیها و کارتاژ، به دهنبال سقوط هانیبال، به اشغال رومیان درآمد. اشغالگران در این منطقه پایگاهی برای خود تاسیس کردند ولی با مردم بومی در نیامیختند. اهالی جرید که امروز به ۵۰۰۰۰ نفر می رسند، از اعقاب عربهای اصلی یا «مسئرب» هستند ولی قریه است که با هیچ قومی مخلوط نشده اند. جرید در قرن شانزدهم میلادی به مرحله ای از شکفتگی و رونق اقتصادی رسید که بدان مثل می زدند ولی دیری نپایید که انحطاط آن آغاز نهاد و در اثر جنگهایی که در این پهنه روی نمود، سراسر آن به ویرانی کشانده شد و کشور تونس نیز روبه ضعف نهاد.

نخلستانهای جرید دارای یک میلیون اصله درخت است و با آنکه نیمی از نخلهای آن بارور نیست، سالیانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون کیلوگرم خرما از آن عاید می شود.

در کنار نخلستانها؛ درختهای انبوه میوه، مرغزارها، بیشه ها و دشت های سرسبز و خرم گسترده است که از آب باران یا کاریزهای پر آب و چشمه سارهای خروشان مشروب می شود. این منابع پر برکت آب، از دورانهای قبل از تاریخ تا کنون جریان دارد و کشاورزان این منطقه از باهوش ترین کشاورزان دنیای قدیم شمرده می شوند. در کنار نخلستانها و درختان میوه، تاکستانهای بسیار وسیع و نغمه موج می زند که اخیرا دولت تونس توانسته است تاحد زیادی آنرا در برابر هجوم توفانها و شهای متحرک نگهداری کند و اکنون تنها هزار هکتار از این اراضی بلا دفاع است که آن هم در حال محاصره است.

محیط طبیعی زندگی شابی چنین است. دشت های فراخ و گسترده، بیابانهای پهناور، بوستانهای خرم و کرانه های ناپیدا چنانکه نیروی خیال و اندیشه شاعران!

ولیکن محیط اجتماعی اش سخت آشفته و نوافانی بود و سخنور نامی را در کوره ای گدازنده پرورد.

کشور تونس تا سال ۱۸۸۱ آوردگاه کشمکش ایتالیایی ها و ترکان بود و در این سال نیروهای فرانسوی در تعقیب قبایل شورشی الجزایر، از مرزهای شمال شرقی گذشتند و تا پایتخت کشور

پیش تاخندند. فرانسویان پس از اشغال تونس، «بیگ محمد ششم» پادشاه مملکت را وادار به امضای پیمان تحت الحمایگی کردند. ولی اشغالگران تنها هنگامی موفق به تصرف سراسر تونس شدند که بهترین جوانان کشور در ستیز با آنها از پای درآمدند، نیروهای مادی و انسانی کشور متلاشی شدند و ویرانی بر سراسر آن سایه گسترد. دولت های اروپایی از فجایع فرانسویان در تونس چشم پوشیدند تا فرانسه نیز در برابر اشغال مصر و قبرس از طرف انگلیس، مهر سکوت بر لب زند. بدیهی است که مملکت در برابر قسوی مهاجم به زانو درآمد.

از سال ۱۸۸۴ فرانسویان به کنتار و تارو مار کردن استقلال طلبیان پرداختند و در راه برانداختن هرگونه مقاومت، از هیچ کاری روی نگرداندند. ولی همین فشار بیش از حد، آهنگ مبارزات استقلال طلبی را سریع تر کرد و در سال ۱۹۱۲ که مراکش به تصرف سپاهیان فرانسه درآمد، شعله های انقلاب در تونس زبانه کشید و میهن پرستان برای رهایی بخشیدن کشور از چنگ استعمار فرانسوی بر تلاش خود افزودند. رفته رفته سراسر منطقه شمال آفریقا از لیبی تا تونس، الجزایر و مراکش (مغرب عربی) روبه انقلاب آورد.

انقلاب آفریقا معادله با جنگ جهانی اول شد. فرانسه در این جنگ میروز شد و از بیرونی خود در راه نابود کردن مبارزات میهنی استفاده کرد. ولی باوهم تونس مقهور نشد و انجمن «جوانان تونس» در سال ۱۹۲۰ برای ادامه مبارزه تشکیل شد. این انجمن در خارج نیز از تأیید کامل گروه های ملی و کنگ فعالان ایشان برخوردار گردید. برنامه انجمن از سه ماده تشکیل می شد و برقراری نظام متمرکزیت، بیرون راندن اشغالگران و لزوم کارآمدن حکومت قانونی را وجهه همت خود قرار می داد. فرانسه در سال ۱۹۲۲ یک شش ماهه سازمانهای اقتصادی تاسیس کرد که توجه مردم را از فعالیت های سیاسی صرف کند و توجه های ملی را متلاشی سازد.

در این هنگام در مراکش اسپانیا، به رهبری محمد بن عبدالکریم خلیف، انقلابی رخ داد که بیدارنگ روی جنبش های ملی تونس اثر گذاشت و عزم وقوت و صلابت آن را دوچندان کرد. برای خواباندن شورش در مراکش، فرانسه و اسپانیا دست به دست هم دادند و نیروهای امیر محمد را درهم شکستند. پس از آن فرانسویان به جان تونس ها افتادند و باتدابیر بی رحمانه هر حرکتی را درهم کوبیدند و هرنفسی را بریدند. در سال ۱۹۲۵ فرانسه بسیاری از رهبران تونس را تبعید یا زندانی کرد، اجتماعات را متفرق ساخت و از پایمال کردن حقوق مردم و گسستن رشته های وحدت ملی و عذاب دادن خلق، هیچ فروگذار نکرد. این قهر بی امان تا سال ۱۹۳۰ دوام آورد. در این سال دنیای سرمایه داری اسپانیا بحران اقتصادی مذلت باری شد که نزدیک بود شیرازه های آن را از هم بگسلد و یکباره جان از تن آن برآورد. گرفتاری فرانسه در دام فقر مالی،

به مردم تونس امکان داد که بار دیگر گرد هم آیند و برای به دست آوردن زمام امور خود، چهاره ای بیاندیشند. در سال ۱۹۳۴ - سال درگذشت ابوالقاسم شابی - انجمن «جوانان تونس» تجدید سازمان کرد و دیگر باره به تلاش پرداخت. مبارزات به اشکال مختلف، با شدت و ضعف و در مراحل گوناگون ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۵۵ تونس خودمختاری داخلی به دست آورد و در سال ۱۹۵۶ «استقلال کامل» یافت و در سال ۱۹۵۷ جمهوری تونس خوانده شد. تاریخ تونس از آن پس معلوم است.

باری چنانکه دیده می شود، کشور تونس در سراسر زندگی شاعر جوان یک لحظه روی آرامش ننید و به خصوص بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۳۲ که افکار شابی در حال شکل گرفتن بود، مردم تونس دشوارترین مراحل تاریخی خود را ترویر شکنجه، آزار و تعقیب اشغالگران می گذرانیدند. ستاره اقبال اروپا در این روزگار روبه افول نهاده بود و استعمار غرب برای حفظ حیات خود بی هوشانه می کوشید.

محیط پرتلاطم اجتماعی و شرایط ناگوار آن، افکار شاعر جوان را سخت متأثر ساخت و چنانکه معروف است، سخن او را به صورت «فریاد انسانی در زیر شکنجه» درآورد.

تحلیلی نیز از وضع تحصیلی و محیط خانوادگی شابی می یابیم.

پدر شابی قاضی منطقه جرید بود. در آن زمان محاکم «شرعی» از نفوذ قانونی و قدرت اجتماعی کامل برخوردار بودند و محصدین بلقاسم پدر شابی - رئیس یکی از این محاکم بود. قاضی اگر در تارو بود مواد خشک قانونی اسیر نباشد، اگر چوب قانون تنها حربه او در نبرد با آن چیزی که «قانون» آن را «جرم» می خواند؛ باشد و اگر اندکی بصیرت انسانی و دید خطایی داشته باشد، به خوبی می تواند به شیکه روابط اجتماعی بی برد و تضادهای و تناقضات اجتماعی را لمس و با نتیجه تجزیه و تحلیل کند. کسانی که در محاکم قضایی دانش اجتماعی فراوان کسب کرده و مقام والایی در تاریخ زندگی انسان به دست آورده اند، کم نیستند. ابوالقاسم شابی یکی از این کسان بود. آواز کودکی در جلسات محکمه پدر حاضر می شد و برخوردهای مردم و درگیریهای گوناگون افسراد جامعه را مشاهده می کرد. محکمه پدر برای شابی یک مکتب تربیتی بود. تحصیلات مقدماتی شابی نیز در محضر پدر بود. آواز آغاز سن تحصیل، به «مکتب» می رفت و ضمنا در خدمت پدر صرف و نحو و ادبیات عرب می آموخت. در سن یازده سالگی، پدر او را به مدرسه «زیتونه» در پایتخت کشور فرستاد و به دوستان خود سفارش کرد که در تعلیم و تربیت ابوالقاسم توجه خاص میندول دارند. ابوالقاسم در سن ۱۸ سالگی از مدرسه زیتونه فارغ التحصیل شد و گواهینامه گرفت.

در خلال ۷ سال تحصیل در پایتخت با مسائل ادبی و جوامع فرهنگی آشنا شد و در همین اوان به سرودن اشعار پرداخت و به « انجمن ادبی تونس » پیوست . بسیاری از رهبران نهضت استقلال طلبی تونس عضو این انجمن بودند .

دوران شاعری شابی بیش از ۷ یا ۸ سال نبود ولی در خلال همین مدت کوتاه چنان قدرتی در سخنوری از خود نشان داد که در همان ایام حیات، آوازه اش از « مغرب عربی » به مشرق رسید و انظار را متوجه او ساخت .

البته این معروفیت در آن زمان کسی جنبه منفی داشت . ابوالقاسم با چنان حرارتی تجدید طلب و خواهان انقلاب ادبی و دگرگون کردن آیین سخنوری ، ارزشها ، مفاهیم و فرم های آن بود که حتی مصریها او را تحمل نکردند و پاره ای از ادبای قاهره او را متهم به « افراط » کردند و گفتند که شابی « از ادب گرانمایه نیاکان بی بهره و نسبت بدان بی اعتناست » .

نخستین کار ادبی او که سروصدای بسیار برانگیخت ، کنفرانسی بود که او در انجمن ادبی تونس ایراد کرد . عنوان این کنفرانس « صور خیال در شعر عربی » بود . شابی در آغاز این سخنرانی گفت :

« ما اکنون به طلب یک زندگی روشن و جوان ، که اراده قوی روح آن را تشکیل دهد، برخاسته ایم . کسی که خواستار زندگی است باید فردا را بپرستد ، زیرا فردا عبارت از قلب زندگی است . اما کسی که دیروز را می پرستد ، منادی مرگ و سرسپرده گورستان های متروک و عاشق تاریکی است .. »

بدین گونه شابی در پی آن چیزی بود که « جلاوتی » دیگر داشته باشد . میخواست سراسر زندگی را « نو » کند ، کهنه را هر چه هست به دور ریزد و رنگ آن را از در و دیوار زندگی بزداید . میخواست به خطاهای نیاکان و گذشتگان اعتراف کند و سیطره گذشته را بر عقل و اندیشه جوانان در همه مجال های ادبی ، اجتماعی ، سیاسی و فکری از میان بردارد .

این گرایش به نوآوری - که فراورده دلپسنگی صادقانه و به زندگی بود - وادارش کرد که با گروه « آپولو » از شاعران آن روز مصر ، هماهنگ شود . این گروه ادبی - به رهبری دکتر احمد ابوشادی - در پی دگرگون کردن شعر عربی و آزاد کردن آن از قید قالبها و موضوعات کلاسیک بود و این نهضت از دوران جاهلی شروع شده بود و در دوران های صدر اسلام ، اموی ، عباسی ، انحطاط و اوایل نهضت جدید ادامه داشت . دکتر ابوشادی به دنبال این اندیشه مجله ای به نام « آپولو » تاسیس کرد که

نخستین مجله مخصوص نقد شعر عربی بود . شابی به نشر اشعار و اندیشه های خود در این مجله پرداخت و به وسیله آن از انعکاس آثار ادبی خود در مشرق ، آگاه شد . رفته رفته نهضت جدید جای خود را باز کرد و شابی محبوبیت فراوان در محافل ادبی و اجتماعی جهان عرب به دست آورد .

اما پاره ای از افکار شابی حتی برای هم رانش تکان دهنده بود . او یک جا در سخنرانی خود که بعدا به صورت کتابی با ارزش درآمد - صور خیال در شعر عربی - می گوید :

« همه محصول فعالیت ذهنی عرب ، در دوره های گوناگون آن ، پیرامون یک مواد می چرخد که از خیال شعری بی بهره و با آن بیگانه است . اندیشه حاکم بر این فعالیت ، اندیشه های نارسا و کودکانه است که یارای نفوذ به جوهر اشیاء و ژرفنای حقایق را ندارد ، بلکه همتش معطوف شکل و وضع و گرفتار رنگ و قالب است . این اندیشه بیشتر به ظواهر اشیاء می پردازد تا به اعماق آن و از طبیعت جز حکایت رنگ و شکل ، سخنی برای گفتن ندارد . هنگامی که از زن سخن می گوید ، پیداست که نظر به کامجویی از تن او دارد .. » ابوالقاسم از این بیان چنین نتیجه می گیرد که ما نباید ادبیات عربی را به عنوان ادبیات ایده آل خود بپرستیم چنان که ادامه آن بر ما واجب باشد و پر خورنداری از اندیشه معنی و شیوه آن را اقتضای خود بدانیم . باید ادبیات عربی را یکی از ادبیات کلاسیک بشماریم

که مورد احترام و مایه اعجاب ماست . همین ونه بیش از این ..

سخنان ابوالقاسم به راستی تکان دهنده بودا به همین جهت برخلاف موقعیت ادبی او ، و بر خلاف احترامی که در مشرق عربی کسب کرده بود ، هم میهنان تونس اش نتوانستند چنین سخنانی را درباره « افتخارات عظیم منی » خود تحمل کنند . بار دوم که ابوالقاسم میخواست در انجمن ادبی سخنرانی کند ، ملاحظه کرد که حتی یک نفر برای شنیدن بیانات او در سالن کنفرانس حاضر نشده است . تبلیغات سنت گرایان پیروز شده بود .

اما امروز بهتر از مخالفان و دوستان ابوالقاسم می توانیم درباره او اظهار کنیم . حقیقت این است که شابی در جانبداری پر شور خود از مفاهیم ادبی نوین و ارزشهای فکری آن ، بیشتر یک برون گرای بود تا یک درون گرای . بدین معنی عرب را در ادوار گوناگون ادبی با مقیاسهای قرن بیستم ارزشیابی کند . از ایشان انتظار چیزهایی را داشت که از شکسیر ، گوته ، هگلو ، لامارتین و نیچه شنیده بود .

در عین حال ، با آن که ابوالقاسم بازبانی تند و تلخ به اشقاد از میراث فکری ملت خود - ملت عرب - پرداخت ، نسلی که پس از او روی کار آمد ، دعوت وی را برای تلاش در راه « زندگی روشن و با قدرت » با عشق و اشتیاق هر چه بیشتر پذیرفت و در راه تحقق افکار او سخاوتمندانه فداکاری کرد .

سید محمد حسین روحانی

فکر کنید ، تصمیم بگیرید ، عمل کنید

• با پرداخت ۹۹ تومان و ۶۰۰ تومان تخفیف تحویل یک دوره کامل انگلیسی ۱۲ ترم ۳۰۰ ساعت شامل : (خواندن - نوشتن - مکالمات - نمره) را در مدت شش ماه االی میآید یاد بگیرید .

• **کلاسها** : شش تا دوازده ساعته با روشهای نوین و مجهز و مجهز و با شیوه نوین بطور رایگان تعلیم داده خواهد شد . برای کلاسهای انفرادی و گروهی ثبت نام ادامه دارد .

• **مشاوره** : مؤسسه انگلیسی نهاد که بطور رایگان بدو طلبین تقدیم میگردد :

۱- کتاب اول انگلیسی مقدماتی (ترم اول تا ششم)	۳۰۰ صفحه	بازش ۲۰۰۰ ریال
۲- کتاب دوم انگلیسی مقدماتی (ترم سوم تا ششم)	۱۳۰	۱۰۰۰
۳- کتاب دوم بین کون (ترم ششم تا دوازدهم)	۳۲۰	۵۰۰
۴- گرامر کامل جلد اول (ترم اول تا ششم)	۲۵۰	۱۵۰۰
۵- گرامر کامل جلد دوم (ترم ششم تا دوازدهم)	۷۵۰	۴۰۰۰
۶- ماشین نویسی فارسی یا لاتین	۲۵۰	۱۰۰۰
ادوات کلاسها از ساعت ۷ صبح تا ۹ شب	۲۰۰۰ صفحه	۱۰۰۰۰ ریال

مؤسسه انگلیسی نهاد - پهلوی مقابل کاخ مرمرفنهای اطلاعات ۴۷۱۴۱ - ۴۲۰۸۶